

تصور افراد نسبت به خشونت و میزان شیوع آن از منظر پاسخگویان

کریم کشکولی^۱ * سهیلا صادقی^۲

چکیده

این مقاله که با استفاده از روش کیفی و کمی داده‌های مورد نیاز را جمع آوری کرده، سعی دارد تصور افراد نسبت به خشونت و میزان شیوع آن را به روایت خودشان بازگو نماید. در عین حال اگرچه نتایج این تحقیق اطلاعاتی غنی درباره تجربه افراد از خشونت فراهم می‌آورد که در فهم موضوع بسیار مؤثر است؛ ولی از نمونه کوچکی به دست آمده و قابل تعمیم نیست. بنابراین نتایج در قالب فرضیه‌هایی برای تحقیقات بعدی ارائه می‌شود. مهم‌ترین یافته‌ها نشان می‌دهد: از نظر پاسخگویان برای تعیین معیار رفتار خشن، قصد و نیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر کنشگر رفتاری را که آسیبی نیز بر قربانی وارد می‌شود با قصد و نیت مورد قبول اکثریت انجام دهد، آن رفتار خشونت تلقی نمی‌شود یا به سختی در قلمرو خشونت قرار می‌گیرد. همچنین نظر پاسخگویان در مورد میزان شیوع خشونت نیز مرتبط با قصد و نیت افراد نسبت به این کنش است. از این رو رفتارهای خشن هرچه با قصد و نیت احقاق حقوق فردی و اجتماعی صورت گیرد، شایع‌تر است.

واژگان کلیدی: خشونت، تصور از خشونت، خشونت جسمانی، خشونت زبانی و شیوع خشونت.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال اول • شماره سوم • تابستان ۱۳۹۱ • صص ۱۷۹-۱۵۷

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۴ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۲۵

۱. دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. Kashkoli.karim@yahoo.com
۲. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. ssadeghi@ut.ac.ir

مقدمه

تقریباً در تمام جوامع و در همه اعصار رفتارهای خشن در اشکال و سطوح متفاوت وجود داشته، زیرا امری جهانی و در عین حال همگانی بوده است. خشونت عموماً به عنوان مجموعه‌ای از رفتارها در اشکال جسمانی، زبانی، روانی و جنسی در سطوح فردی، گروهی، نهادی و ملی همواره انسان‌ها را مورد تهدید قرار داده و از این رو همیشه توجه اندیشمندان و پژوهشگران را به خود معطوف داشته است.

یکی از مسائل مهم مطالعاتی در این حوزه نحوه تصور یا فهم افراد هر جامعه یا گروه اعم از فرهنگی، طبقاتی و قومی نسبت به خشونت و موقعیت‌هایی است که آن را تجربه می‌کنند و روایت خودشان از آن است. چگونگی ادراک و تصور از خشونت و ابعاد آن عامل مهمی در جهت‌گیری نسبت به آن محسوب می‌شود (صادقی، ۱۳۸۸). در واقع افراد خشونت را به شیوه‌ها و در موقعیت‌های متفاوت تجربه می‌کنند و در نتیجه نسبت به آن متناسب با نوع فهمی که از آن دارند، واکنش نشان می‌دهند. برای روشن‌تر شدن مطلب مثالی ارائه می‌شود؛ فردی که مرتکب آزار جسمی می‌شود، نسبت به فرد دیگری که این عمل را انجام نمی‌دهد، شاید از جهت باور و اعتقاد بر اینکه با اعمال زور و تهدید می‌توان اراده خود را به دیگران تحمیل کرد مشابه باشد، اما در فهم آنان از آزار جسمی تفاوت وجود دارد. فرد مرتکب، این عمل را وسیله‌ای مناسب برای رسیدن به اهداف می‌داند، اما فرد دیگر همین عمل را به عنوان تخلف یا نقض قوانین تلقی می‌کند و در نتیجه نسبت به آن هیچ‌گونه تحرکی نشان نمی‌دهد.

در واقع خشونت به عنوان یک کنش آگاهانه و ارادی تابع چگونگی فهم کنشگر از آن است، زیرا خشونت عمل مبتنی بر تصمیم است. تصمیم نیز خود یک انتخاب است که تحت تأثیر نحوه ادراک و تفسیر از محیط و موقعیت است. بنابراین جهت شناخت بهتر چرایی انتخاب خشونت در روابط اجتماعی، قبل از هر چیزی شناخت نوع فهم و ادراک از

خشونت ضرورت دارد. در این مقاله که حاصل پژوهش به شیوه کیفی است، تمرکز بر نوع فهم و تصور از خشونت نزد پاسخگویان به روایت خودشان است. پرسش اصلی معطوف به این است که پاسخگویان چه رفتارهایی را خشن می‌دانند؟ مصادیق و نمونه‌ها از نظر آنها کدام است و چگونه آن را تجربه کرده‌اند؟

در ادامه به اختصار بخشی از نظریه‌های خشونت مرور می‌شود. لازم به ذکر است که به علت ماهیت کیفی تحقیق، محقق با یک رویکرد نظری خاص و مشخص به بررسی پدیده مورد نظر پرداخته، بلکه با تکیه بر مصاحبه‌های عمیق و کیفی به دنبال کشف فرضیه‌ها و درک تجربه افراد از این موضوع بوده است.

۱. ادبیات نظری خشونت

می‌توان رویکردهای نظری تبیین خشونت را بر مبنای مدل بوم‌شناسی که اخیراً توسط پژوهشگران سازمان بهداشت جهانی پیشنهاد شده در چهار سطح تحلیل فردی، رابطه‌ای (خانواده و دوستان)، اجتماعی و جامعه‌ای مورد بررسی قرار داد (Krug et al., 2002, WHO, 2004). به عبارت دیگر، مبنای دسته‌بندی نظریه‌ها بر اساس سطح تحلیلی که آنها برای تبیین انتخاب کرده‌اند تعیین می‌شود. در ادامه در قالب سطوح تحلیل چهارگانه به اختصار نظریه‌های موجود معرفی می‌شود.

در سطح فردی، برخی از نخستین تلاش‌ها برای تبیین خشونت اساساً ماهیت زیست‌شناختی داشته است. در این نوع تبیین‌ها، کانون اصلی توجه به ویژگی‌های افراد معطوف بوده است. در نظریه‌هایی از این نوع به ویژگی‌های زیست‌شناسانه، ژنتیکی و ارثی اشاره می‌کنند که افراد به‌ناچار در درون این ساختارها به گونه‌ای متفاوت از دیگران، رفتارهای مجرمانه را از خود بروز می‌دهند. در بخشی از این نظریه‌ها به عامل‌های زیست‌شناسانه که به‌طور قطع به عوامل وراثتی یا ژنتیکی مربوط نبوده، اما محیطی هستند اشاره می‌شود. این عامل‌ها عبارتند از: سوءمصرف مواد مخدر و الکل، رژیم غذایی و سم‌ها، آسیب سر و عوارض مربوط به بارداری یا تولد (ولد و دیگران، ۱۳۸۰).

در تلاش‌های نظری دیگر جهت تبیین خشونت به کمیت و کیفیت روابط میان والدین، روابط سایر افراد خانواده با یکدیگر و روابط فرد با دوستان صمیمی و همکاران نزدیک اشاره می‌شود. در واقع این نظریه‌ها در تبیین خشونت به چگونگی و نحوه ساختار خانواده به‌عنوان یک واحد اجتماعی نسبتاً مستقل و مجزا و همچنین شبکه پیچیده‌ای از

روابط اجتماعی خودمانی که فرد را احاطه کرده است اشاره دارند. به‌طور مثال در مطالعه بر روی جوانان، نشان داده شده است که در صورت مواجهه شدن آنها با فعالیت‌های منفی و ضد اجتماعی و در صورتی که این‌گونه رفتارها توسط دوستان صمیمی آنها نیز مورد تأیید و تشویق قرار گیرد، احتمال بروز رفتارهای خشونت‌آمیز آنها بیشتر می‌شود. همچنین همالان و اعضای خانواده همگی به‌صورت بالقوه در شکل دهی رفتار خشن نقش مؤثری را بر عهده دارند (کشکولی، ۱۳۹۰).

بخش دیگری از نظریه‌های تبیین خشونت، به شبکه‌های روابط اجتماعی که افراد در محیط‌هایی مثل محله، یا همسایگان درگیر آن هستند، توجه دارند و مؤلفه‌های مرتبط با آن را مورد بررسی قرار می‌دهند. در این نظریه‌ها به متغیرهای نظیر وجود تحرک مکانی، وجود ناهمگونی^۱، انزوای اجتماعی و تراکم جمعیتی بالای اجتماع^۲ اشاره می‌شود (Sampson, 1989, 1991, 2004) در واقع این ویژگی‌ها عمدتاً معطوف به سطح اجتماعی است. تعدادی دیگری از تئوری‌ها به دو مقوله فرهنگ و ساختار اجتماعی هم به‌صورت جداگانه و هم در تعامل با یکدیگر که زمینه‌های مساعده‌کننده خشونت را فراهم می‌کند، توجه داشته‌اند. به‌طور مثال این نظریه‌ها در بعد فرهنگی، به نگرش‌ها و هنجارهایی که حقوق والدین را نسبت به کودکان و سلطه مردان را بر زنان الویت می‌دهد و همچنین استفاده بیش از حد زور را برای دستگاه‌های برقراری نظم و امنیت در جامعه مورد تأکید قرار می‌دهد؛ اشاره می‌کنند. همچنین تئوری‌های دیگری در زمینه ساختار جامعه به تغییرات سریع اجتماعی، جمعیتی، شهرنشینی، مهاجرت، افزایش نابرابری‌ها و مواردی از این قبیل به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر خشونت توجه دارند. این نظریه‌های رفتارهای مجرمانه و خشونت‌آمیز بر این باورند که برخی از نیروهای ساختاری از جمله فقر یا فقدان فرصت‌ها، شرایطی را ایجاد می‌کنند که در نهایت منجر به خشونت یا جرم و جنایت می‌گردد (Brookman, 2005).

۲. روش‌شناسی

تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی و همچنین کمی است. تحقیق کیفی منطق خاصی را برمی‌گزیند تا کیفیت، معنا، زمینه و یا تصور افراد را نسبت به موضوع خاصی چون خشونت

1. Heterogeneity
2. Community

تصور افراد نسبت به خشونت و میزان شیوع آن از منظر پاسخگویان ۱۶۱

بررسی کند. در این روش، تمرکز بر روی فهم موضوع و تصویر چند وجهی و پویایی آن است. در تحقیق حاضر، یافته‌هایی که درصدد به دست آوردن عقاید افراد نسبت به خشونت بوده است، با استفاده از روش کیفی به دست آمده است. همچنین با استفاده از تکنیک پرسشنامه بخش مربوط به میزان شیوع انواع خشونت در محیطه‌های متفاوت نیز جمع آوری شده است.

۲-۱. نحوه گردآوری داده‌ها

۲-۱-۱. مصاحبه

اطلاعات لازم برای این تحقیق با مصاحبه‌های عمیق و گفتگوی صمیمانه و همدلانه به دست آمده است. مصاحبه‌ها به صورت نیمه سازمان یافته، با این هدف صورت گرفته که افراد ادراکات و تجربیات خود را از زبان خودشان بیان کنند. در این نوع مصاحبه علی‌رغم اینکه سؤالات پیرامون مسائل مورد نظر تحقیق برنامه‌ریزی می‌شود، اما دارای انعطاف‌پذیری خاصی است. مصاحبه‌ها با سؤالات کلی در مورد احساسات و نگرش‌های افراد پیرامون خشونت مرتبط بوده است.

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش جهت مصاحبه افرادی هستند که در شهر تهران زندگی می‌کنند و محدوده سنی آنها بین ۲۰ تا ۶۰ سال است. معمولاً نمونه مورد مطالعه در تحقیقات کیفی کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نبوده و حجم نمونه با سطح اشباع‌پذیری ارتباط تنگاتنگی دارد. به هر حال افراد جامعه نمونه با توجه به ویژگی‌هایی چون جنسیت، تأهل و سطح تحصیلات انتخاب شده‌اند. تعداد افراد نمونه ۴۵ نفر هستند. قطعاً این تعداد بر اساس محدودیت‌ها از جمله زمان، امکانات مالی و سطح دسترسی تعیین شده است. همچنین افراد نمونه به صورت تصادفی در مکان‌های عمومی انتخاب شده‌اند. مصاحبه‌ها توسط سه دانشجوی رشته پژوهشگری علوم اجتماعی صورت گرفته است. ضمناً این افراد فوق آموزش و مهارت لازم را در امر پرسشگری داشته‌اند. کلیه مصاحبه‌ها به دقت یادداشت برداری شده و فوراً بعد از هر مصاحبه دوره شده‌اند تا اگر مطلبی از قلم افتاده به آن اضافه شود.

۲-۱-۲. پرسشنامه

داده‌های مورد نیاز این تحقیق از طریق پرسشنامه نیز جمع آوری شده است. هدف از اجرای پرسشنامه، بررسی میزان شیوع و گستردگی انواع رفتار خشن با نیت‌های گوناگون در سطح جامعه بوده است. در طراحی پرسشنامه نکات زیر مد نظر قرار گرفته است:

۱. گویه‌ها متناسب با محیط‌هایی که احتمال وقوع رفتار خشن در آن وجود دارد طراحی شده و میزان شیوع انواع رفتار خشن مورد پرسش قرار گرفته است. این محیط‌ها عبارتند از: ۱. محیط‌های عمومی مثل خیابان، کوچه، پارک و...؛ ۲. محیط‌های شغلی مثل اداره، کارخانه،...؛ ۳. محیط‌های دوستانه مثل محافل دوستانه، گروه‌های دوستانه و...؛ ۴. محیط خانوادگی مثل محیط منزل و ۵. محیط‌های آموزشی مثل محیط مدرسه، دبیرستان و....

۲. گویه‌ها متناسب با طیف وسیعی از کنش‌های خشن از شدید تا خفیف طراحی شده است؛ به‌طور مثال از اقدام به کشتن تا سرزنش کردن.

۳. گویه‌ها علاوه بر اینکه معطوف به مصادیق کنش‌های خشن است قصد و نیت عامل خشونت را نیز در بر می‌گیرد.

۲-۲-۲. جامعه مورد مطالعه و حجم نمونه

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش جهت گردآوری داده با ابزار پرسشنامه، افرادی هستند که در شهر تهران زندگی می‌کنند و محدوده سنی آنها بین ۲۰ تا ۶۰ سال است. افراد نمونه با توجه به ویژگی‌های جنسی، تأهل، سن، سطح تحصیلات و نوع شغل انتخاب شده‌اند. تعداد افراد نمونه نیز ۸۲ نفر است (با توجه به ملاحظات و محدودیت‌ها این تعداد تعیین شده است) که به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. پرسشگران با حضور در محیط‌های پنج‌گانه که قبلاً اشاره شد، داده‌های مورد نیاز را جمع آوری کرده‌اند.

۳. بیان داده‌ها

۳-۱. یافته‌های حاصل از مصاحبه

جهت آشنایی با ویژگی‌های فردی پاسخگویانی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند جداول زیر ارائه می‌شود.

تصور افراد نسبت به خشونت و میزان شیوع آن از منظر پاسخگویان ۱۶۳

جدول ۱. فراوانی متغیر جنسیت

متغیر	فراوانی	درصد
مرد	۲۹	۶۴/۵
زن	۱۶	۳۵/۵
جمع	۴۵	۱۰۰

همان‌طور که مشاهده می‌شود، حدود ۳۶ درصد از پاسخگویان را زنان و ۶۴ درصد را مردان تشکیل می‌دهد.

جدول ۲. فراوانی متغیر گروه سنی

متغیر	فراوانی	درصد
۲۰-۳۰	۱۱	۲۲/۵
۳۱-۴۰	۱۴	۳۲
۴۱-۵۰	۱۰	۲۲/۵
بالای ۵۱ سال	۱۰	۲۲/۵
جمع	۴۵	۱۰۰

پاسخگویان نسبتاً از تمام گروه‌های سنی انتخاب شده‌اند و این در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۳. فراوانی سطح تحصیلات

متغیر	فراوانی	درصد
متوسطه	۱۶	۴۰/۲
دیپلم	۱۴	۱۹/۵
لیسانس	۱۵	۲۳/۱
فوق لیسانس	۸	۱۳/۴
دکتری	۲	۳/۶
جمع	۸۲	۱۰۰

حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان افراد زیر دیپلم و دیپلم و مابقی نیز دارای مدارک بالاتر هستند.

محورهای عمده در این مصاحبه در قسمت اول مشتمل بر تعریف و ماهیت رفتار خشن، مصادیق خشونت (نمونه‌هایی از رفتارهای خشن) و ویژگی‌های افراد خشن متمرکز

است. نتایج بر اساس محورهای مورد بحث به صورت جداگانه در جداول فراوانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

- تعریف و معیار رفتار خشن: از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد که به این پرسش پاسخ دهند که از نظر شما رفتار خشن چگونه رفتاری است. در واقع هدف اصلی پرسش این بود که پاسخگویان رفتار خشن را بر اساس چه معیاری ارزیابی می‌کنند. با توجه به تنوع پاسخ‌ها، در جدول زیر مصادیق و معیارهای رفتار خشن ارائه شده است.

۴. جدول فراوانی معیارهای رفتار خشن از نظر پاسخگویان

معیار	مصادیق	فراوانی به درصد
قواعد اجتماعی	- غیر متعارف - خلاف قانون - خلاف عرف - مغایر با معیارها - غیرقابل قبول - خارج از معمول	۶۰٪
ویژگی‌های فردی	- غیر عقلانی - روانی - بر هم زدن آرامش - خارج از تعادل - تند و سریع	۲۵٪
قواعد اخلاقی	- بی‌ادبانه - بی‌کلاس	۱۵٪

جدول فوق نشان می‌دهد که پاسخگویان بر اساس سه معیار قواعد اجتماعی، ویژگی‌های فردی و قواعد اخلاقی رفتار خشن را مورد شناسایی قرار می‌دهند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بر مبنای مصداقی که هر یک از پاسخگویان به آن اشاره کرده‌اند، این سه معیار به دست آمده است. در حدود ۱۵ درصد از پاسخگویان، رفتار خشن را با قواعد اخلاقی مثل ادب و احترام پیوند می‌زنند. از نظر آنها، بی‌احترامی و بی‌ادبی نسبت به دیگران، بی‌کلاسی، فضولی کردن در کار دیگران و رفتاری خشن محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، عدم رعایت ادب و نزاکت و یا در مجموع رفتاری که از اخلاق معمول دور باشد، از نظر آنها خشونت محسوب می‌شود. در واقع این گروه با تأکید بر ملاک‌های اخلاقی، نقض آنها را به‌عنوان معیار رفتار خشن در نظر دارند.

گروهی دیگر از پاسخگویان رفتار خشن را با ویژگی‌های فردی افراد پیوند می‌زنند. تلقی آنها از خشونت و فرد خشن این است که اختلالات روانی، عدم تعادل روحی و روانی، سرکوب‌گرایی و مواردی از این قبیل با خشونت مرتبط است. به عبارت دیگر رفتاری از نظر این عده خشن تلقی می‌شود که تظاهر بیرونی مشکلات و اختلالات روانی و شخصیتی فرد است. فردی که بر حالات روانی خود مسلط نباشد و از این وضعیت در رنج و عذاب است، رفتارهایی از خود بروز می‌دهد که جامعه از آن تحت عنوان خشونت نام می‌برد. از این نظر پیوند عمیقی میان خشونت و عدم تعادل روحی و روانی وجود دارد. از نظر این گروه، خشونت نزد افرادی خاص دیده می‌شود که از نظر روحی و روانی دارای مشکل هستند. این نگاه نسبت به خشونت بیشتر از آنکه خشونت را به عنوان یک واقعیت اجتماعی تلقی کند، آن را کاملاً فردی می‌داند؛ حدود ۲۵ درصد از پاسخگویان این نظر را داشته‌اند. در همین زمینه یکی از پاسخگویان اظهار می‌کند: رفتارهایی که ناشی از اختلالات روانی و عدم ارضای احساسات و تمایلات عاطفی باشد و از لحاظ روانی مشکلاتی فراهم آورد، در نهایت منجر به خشونت می‌شود.

اما یکی از شایع‌ترین تفاسیر نسبت به خشونت نزد پاسخگویان، ارتباط رفتار خشن با مفهوم عرف و هنجار است؛ بدین معنا که خشونت یک رفتار نابهنجار یا خلاف عرف معمول جامعه است. در واقع رفتار خشن، رفتاری است که خارج از عرف معمول جامعه انجام می‌گیرد و از نظر مردم مورد قبول نیست. معیار قضاوت در این وضعیت تلقی افراد جامعه و معیارهای آن به‌ویژه هنجارها و قوانین است. حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان در تعیین رفتار خشن به این معیار توجه داشته‌اند. در همین زمینه یکی از پاسخگویان اظهار داشته است: خشونت رفتاری است نابهنجار که از حالت طبیعی و آرامش و موزون خود خارج شده، همچنین رفتاری است که نه عرف جامعه و نه در شأن فرد و نه از نظر مذهبی مورد قبول است.

- ماهیت خشونت: اکثریت مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به پرسش درباره چیستی و ماهیت خشونت اظهار داشته‌اند که خشونت عملی غیر اخلاقی، نابهنجار، غیر عرفی یا غیرمنطقی است. از نظر این گروه، خشونت رفتاری است که مورد تأیید افراد جامعه نباشد. به نظر می‌رسد این گروه افراد با چنین اظهار نظری، به صورت غیر مستقیم عدم تمایل خود را نسبت به خشونت ابراز داشته‌اند. تعداد دیگری که نسبت به گروه اول کمتر هستند،

ماهیت خشونت را رفتاری تهاجمی می‌دانند. این گروه اعتقاد دارند: رفتار خشن، رفتاری هجومی است که فرد یا افرادی به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر خود، آن را مورد استفاده قرار می‌دهند. در مقابل این گروه، تعداد دیگری که نسبت به گروه دوم کمتر هستند، ماهیت رفتار خشن را یک رفتار تدافعی در مقابل افرادی که قصد زورگویی یا آسیب رساندن را دارند مد نظر قرار می‌دهند. تعداد اندکی نیز ماهیت خشونت را، رفتاری شرایطی یا موقعیتی می‌دانند. در مجموع نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد، افرادی که خشونت را تهاجمی، تدافعی و شرایطی می‌دانند، به صورت غیر مستقیم ماهیت آن را عملی مورد قبول تلقی می‌کنند، زیرا بروز آن را منوط به شروطی می‌دانند که این شروط تا حدودی از نظر عموم پذیرفته شده است. پس مجموع نظرات را به دو دسته کلی می‌توان طبقه‌بندی کرد: دسته اول خشونت را عملی نابهنجار می‌دانند و دسته دوم خشونت را تحت شرایطی تأیید می‌کنند.

- انواع رفتار خشن: مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این سؤال که «از نظر آنها چه رفتارهایی خشن تلقی می‌شود؟» به سه نوع عمده رفتار خشن اشاره می‌کنند. در جدول ۵ این سه نوع رفتار به همراه مصادیق آنها نشان داده می‌شود.

جدول ۵. فراوانی انواع رفتار خشن از نظر پاسخگویان

موضوع	مصادیق	فراوانی به درصد
خشونت کلامی	- لحن تند داشتن - به کار بردن الفاظ زشت - بلند صحبت کردن - داد زدن - اخم کردن - فحاشی کردن - تهمت زدن - تندخو بودن	۵۵٪
خشونت نسبت به اشیا	- شکستن وسایل - قاشق و چنگال به هم زدن - پرتاب کردن وسایل	۲۵٪
خشونت جسمی	- هجوم آوردن - درگیر شدن - حرکت دادن دست - زد و خورد کردن - چاقوکشی	۲۰٪

اکثریت پاسخگویان تأکید بر رفتارهای خشن کلامی دارند. داد زدن، عربده کشیدن، فحاشی کردن، ترساندن زبانی یا تهدید، نق زدن، توهین و رکیک صحبت کردن از جمله شایع‌ترین رفتارهای خشن از نظر پاسخگویان است. علاوه بر این، به رفتارهای ایمایی و اشاره‌ای نیز به عنوان رفتار خشن اشاره شده است. مثلاً اخم، دست بلند کردن، سکوت یا قهر، حالات تهاجمی از خود نشان دادن، خیره نگاه کردن و یا از روی غضب نگاه کردن، از جمله رفتارهایی است که در دسته خشونت کلامی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، تصور رفتار خشن نزد اکثریت پاسخگویان خشونت کلامی است. احتمالاً از نظر آنها، این گونه رفتارهای خشن نسبت به انواع دیگر شایع‌تر است، از این رو به آنها بیشتر اشاره شده است. نوع دیگری از خشونت که پاسخگویان بر آن تأکید دارند، خشونت نسبت به اشیا است که در اصطلاح به آن وندالیسم می‌گویند. شکستن اشیا، به هم ریختن اشیا و قاشق و چنگال به هم زدن از مصادیق آن است که عمدتاً نیز در محیط منزل بین زن و شوهر یا والدین با فرزندان مشاهده می‌شود. در حدود ۲۵ درصد از پاسخگویان به این نوع رفتار خشن اشاره کرده‌اند.

نوع دیگری از خشونت، رفتارهای خشن جسمانی است. درگیر شدن، ضرب و شتم، زد و خورد، کتک کاری و چاقو کشی از جمله مصادیقی است که پاسخگویان به آن اشاره کرده‌اند. فقط حدود ۲۰ درصد از پاسخگویان به مصادیق این نوع خشونت اشاره داشته‌اند. - ویژگی‌های افراد خشن: مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این سؤال که «معمولاً افراد خشن دارای چه ویژگی‌ها و خصوصیتی هستند؟» به ویژگی‌هایی زیر که در جدول ۶ مشخص شده اشاره کرده‌اند.

جدول ۶. فراوانی خصوصیات افراد خشن از نظر پاسخگویان

فراوانی به درصد	ویژگی‌ها	نوع‌بندی
۳۰٪	- صریح لهجه بودن - فریاد زدن مداوم - تند سخن گفتن - گزنده صحبت کردن	رفتاری (کلامی)
۳۵٪	- گوشه‌گیر، سرخورده - عدم تعادل روحی - ناراضی، دل‌آزده و ناآرام	روحي - روانی
۲۵٪	- کم صبر و حوصله - کم تحمل - عدم توانمندی در ارتباط - خود رأی - خشک و بی‌روح	رفتاری (غیر کلامی)
۱۰٪	- بی‌پول - کم عاطفه - بیکار	سایر موارد

گروهی از پاسخگویان افراد خشن را با خصوصیات روحی و روانی توصیف می‌کنند. این گروه معتقدند که گوشه‌گیری، عدم تعادل روحی، ناآرامی و مواردی از این قبیل ویژگی اصلی افراد خشن محسوب می‌شود. هرچند این نوع صفات درونی هستند و در ظاهر خود را نشان نمی‌دهند، از نظر پرسش‌شوندگان این ویژگی نسبت به سایر ویژگی‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است. حدود ۳۵ درصد از پاسخگویان این خصوصیت را ویژگی بارز افراد خشن می‌دانند. در همین زمینه یکی از پاسخگویان نظر خود را چنین ابراز می‌کند: افرادی که قابل نفوذ نیستند، کلامی بر آنها وارد نیست؛ کسانی که مغز متحجر دارند و به یک رأی بودن خود محیط اطراف را مسموم می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های مهم افراد خشن که به صورت آشکار قابل مشاهده است و در رفتار کلامی (اعم از گفتاری و ایمایی) خود را نشان می‌دهد، خصوصیات کلامی است. از مصادیق مهم آن، بیان تند و گزنده داشتن، صریح لهجه بودن و در محاورات روزمره داد و فریاد زدن است که در حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان به آنها اشاره داشته‌اند. در همین زمینه یکی از پاسخگویان افراد خشن را چنین توصیف می‌کند: افرادی که رفتارهایی همراه با داد و فریاد و لبریز از خشم از خود بروز می‌دهند.

در حدود ۲۵ درصد از پاسخگویان ویژگی‌های رفتاری غیر کلامی مثل صبر و تحمل

تصور افراد نسبت به خشونت و میزان شیوع آن از منظر پاسخگویان ۱۶۹

پایین، عدم کنترل بر رفتار، عدم توانایی مناسب در برقراری ارتباط با دیگران و وجود آستانه تحمل پایین را از خصوصیات عمده افراد خشن می‌دانند. در همین زمینه یکی از پاسخگویان می‌گوید: افرادی که نمی‌توانند به صورت عادی با دیگران ارتباط معقول برقرار کنند و با کوچک‌ترین عملی که مطابق میلشان نباشد تندخو و عصبانی می‌شوند. با توجه به اهمیت این بحث، در یکی دیگر از محورهای مصاحبه این مطلب به گونه دیگری مورد پرسش قرار گرفته است که تا حدود زیادی سه ویژگی بالا را تأیید می‌کند. علاوه بر این، تعدادی به وجود فقر آشکار در افراد خشن اشاره داشته‌اند. این پاسخگویان اظهار می‌کنند: افرادی که ظاهر نامناسب دارند و نشان می‌دهند که فقیرترند، نسبت به افرادی که از ظاهر مناسب‌تر و وضعیت مالی بهتری برخوردارند، تمایل بیشتری به انجام رفتارهای خشن دارند.

- موضوع خشونت: رفتار خشن همانند بسیاری از کنش‌های متقابل اجتماعی، پیرامون موضوعات خاصی شکل می‌گیرد. در همین زمینه از مصاحبه‌شوندگان سؤال شده است که رفتارهای خشن بر سر چه موضوعاتی شکل می‌گیرد؟ پرسش‌شوندگان ضمن بیان موضوعات متنوع به سه محور مهم تأکید دارند که در جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۷. فراوانی موضوع خشونت از نظر پاسخگویان

موضوع	مصادیق	فراوانی به درصد
منافع مالی و اقتصادی	- مشکلات مالی - تضاد منافع - بی‌پولی یا فقر	۴۵٪
مسائل ناموسی - جنسی	- روابط دختر و پسر - نوع پوشش زنان - عقده‌های جنسی - تجاوز به عنف - مسائل ناموسی	۲۵٪
قدرت نمایی و قلدری	- توقع نابجا - قدرت‌طلبی - انتقام‌گیری - حرف زور زدن	۲۵٪
مسائل متفرقه	- بی‌احترامی - لجبازی کردن	۵٪

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که معمولاً خشونت به واسطه آن شکل می‌گیرد، اختلافات مالی و اقتصادی است. هرچند اکثریت پاسخگویان معتقدند که معمولاً درگیری‌های خشونت بار، معمولاً از مسائل و موضوعات جزئی آغاز می‌شود و به رفتارهای بسیار خشن خاتمه می‌یابد، اما اختلافات مالی نسبت به سایر موضوعات از اهمیت بیشتری برخوردار است. با این حال باید به این نکته توجه داشت که خشونت بر سر منافع اقتصادی، در شرایطی که افراد سابقه‌آشنایی قبلی با یکدیگر داشته باشند، امکان بروز بیشتری دارد. این در حالی است که میان افراد غریبه نیز امکان درگیری بر سر مسائل مادی وجود دارد، اما نسبت به آشنایان کمتر است. در مجموع حدود ۴۵ درصد از پرسش‌شوندگان بر اهمیت این مورد تأکید دارند. در همین زمینه یکی از پاسخگویان می‌گوید: «در بسیاری موارد کمبود مالی سبب خورد شدن و زیر پا له شدن غرور انسان شده که بسیار ناخوشایند است و به همین دلیل، این افراد برای تخلیه روحی خود پرخاشگری می‌کنند.

از جمله موضوعات دیگری که از اهمیت خاصی برخوردار است و در جامعه ما رفتارهای خشن پیرامون آن شکل می‌گیرد، مسائل ناموسی و موضوعات جنسی است. در فرهنگ عمومی جامعه، متلک گفتن، نگاه غیر متعارف به زنان و مواردی از این قبیل نوعی تجاوز به حریم خصوصی دیگران تلقی می‌شود و غیرت مردانه تحمل این رفتارها را ندارد و به سرعت نسبت به آنها واکنش تند و خشن نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد بخشی از رفتارهای خشن توسط مردان که در مکان‌های عمومی، محلات و محافل دوستانه روی می‌دهد، بر حول این موضوعات شکل می‌گیرد. حدود ۲۵ درصد از پرسش‌شوندگان به این مورد اشاره داشته‌اند.

موضوع دیگری که در درجه سوم اهمیت قرار می‌گیرد، اعمال قدرت و قدرت‌نمایی یا در اصطلاح علمی آن، قلدری است که موضوع درگیری‌های خیابانی است. برتری‌جویی توأم با خشونت، تمایل به فرمانبری دیگران، ابراز قدرت و به رخ کشیدن قدرت خود به دیگران، از جمله موضوعاتی است که با قدرت مرتبط است و در روابط متقابل میان افراد جامعه، محور درگیری و نزاع است. این نوع درگیری‌ها، به‌ویژه در شرایطی که افراد کمتر سابقه‌آشنایی داشته باشند یا ناآشنا با هم باشند، احتمال وقوع آنها بیشتر است. حدود ۲۵ درصد به این مورد اشاره داشته‌اند.

تصور افراد نسبت به خشونت و میزان شیوع آن از منظر پاسخگویان ۱۷۱

از نظر پرسش‌شوندگان، موارد دیگری هم به‌عنوان موضوع خشونت تلقی می‌شود که فراوانی آن نسبت به سایر موارد کمتر است. از جمله این موارد می‌توان به لجبازی، عدم وجود تفاهم اخلاقی، عدم رعایت حقوق فردی و اجتماعی، بی‌احترامی، توقعات نابجا و مسائل متفرقه دیگر مثل تهمت زدن و سخن نابجا اشاره کرد.

- هدف از انجام خشونت؛ با توجه با اینکه هر نوع کنش متقابلی که توسط افراد شکل می‌گیرد، دارای اهداف آشکار یا پنهانی است، از اقدام به خشونت نیز به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف مورد نظر مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای پی بردن به اهداف خشونت از نظر پاسخگویان، سؤال «رفتارهای خشن جهت رسیدن به چه اهدافی شکل می‌گیرد؟» مورد پرسش قرار گرفت. عمده‌ترین اهدافی که به‌دنبال اعمال خشونت آمیز توسط افراد جامعه از نظر پاسخگویان صورت می‌گیرد، در جدول ۸ مشخص شده است.

جدول ۸. فراوانی اهداف خشونت از نظر پاسخگویان

اهداف	مصادیق	فراوانی به درصد
کسب قدرت	- اثبات برتری بر دیگران - ضربه زدن به دیگران - ابراز وجود	٪۴۵
احقاق حقوق فردی- اجتماعی	- احقاق حق	٪۳۵
ارضای روحی- روانی	- عقده گشایی - خودخواهی - تخلیه عقده‌های روانی - رسیدن به آرامش - جبران شکست	٪۲۰

داده‌های جدول نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، رفتارهای خشن عمدتاً سه هدف را دنبال می‌کند. این اهداف عبارتند از: کسب قدرت، احقاق حقوق فردی - اجتماعی و ارضای روحی - روانی.

افزایش قدرت، کسب قدرت از دست رفته و حفظ قدرت موجود از جمله اهدافی است که در هر شرایط و موقعیت اجتماعی (محیط خانواده، محیط کار و...) به‌عنوان یک هدف توسط کنشگران دنبال می‌شود. از نظر پاسخگویان، اقدام به خشونت ابزاری مناسبی جهت رسیدن به این اهداف است. حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که کاربرد

خشونت وسیله مناسبی برای کسب قدرت محسوب می‌شود. در همین زمینه یکی از پاسخگویان هدف از خشونت را چنین توصیف می‌کند: دست یافتن به قدرت و اثبات برتری خود به دیگران.

گروه دیگری از پرسش‌شوندگان معتقدند: بخش عمده‌ای از مردم تصور می‌کنند که حقوق فردی - اجتماعی (اعم حقوق مادی و معنوی) آنها توسط دیگران (افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها،...) به اشکال مختلف مورد تعرض قرار گرفته یا توسط دیگران نادیده انگاشته می‌شود. پس با انجام خشونت می‌توان در مقابل کسانی که عامل تعرض به حقوق فردی - اجتماعی هستند، ایستادگی کرد. حدود ۳۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که خشونت با این هدف صورت می‌گیرد.

عده معدودی از پاسخگویان، هدف از خشونت را به ویژگی‌های خاص روحی - روانی نسبت می‌دهند و معتقدند که انجام اعمال خشونت‌آمیز، به منظور ارضای نیازهای روحی - روانی صورت می‌گیرد. در واقع، افراد خشن دارای نوعی خود خواهی، حس انتقام‌گیری و عقده‌های درونی هستند که با انجام خشونت به نیازهای درونی خود پاسخ می‌دهند. یکی از پاسخگویان در این زمینه می‌گوید: هدف از خشونت، عقده بازی است. علاوه بر اهداف مذکور، خشونت به دنبال دستیابی به اهداف دیگری مثل حفظ ارزش‌ها، رسیدن به اهداف متعالی و تعلیم تربیت نیز هست که به آنها اشاره شده منتهی نسبت به اهداف قبلی از اهمیت کمتری برخوردار است.

- تجربه خشونت پاسخگویان: تجربه مستقیم افراد در خصوص خشونت متناسب با سن، جنسیت، نوع شغل، طبقه اجتماعی و نوع محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، متفاوت است که نوع پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان این امر را به خوبی نشان می‌دهد. اولاً حدود نیمی از پاسخگویان تجربه خود از خشونت را در رابطه با افراد غریبه و نیمی دیگر در مورد افراد آشنا بیان کرده‌اند. به عبارت دیگر، نیمی از پرسش‌شوندگان تجربه خود از خشونت (عامل یا قربانی) را در محیط‌های خانوادگی، دوستانه و شغلی و نیمی دیگر آن را در اماکن عمومی مثل خیابان، پارک یا محله ابراز کرده‌اند. از نظر پاسخگویان، مهم‌ترین موضوعاتی که خشونت در رابطه با آنها شکل می‌گیرد؛ عموماً مسائل جزئی و اصطلاحاً پیش پا افتاده بوده است. نوع خشونت تجربه شده نیز در حد کلامی یا زد و خورد مختصر بوده است. همچنین این افراد از خشونت تجربه شده احساس ناخوشایندی داشته و ابراز

تصور افراد نسبت به خشونت و میزان شیوع آن از منظر پاسخگویان ۱۷۳

پشیمانی کرده‌اند.

علاوه بر این نیمی از پاسخگویان اشاره مستقیمی به خشونت تجربه شده خود نداشته و فقط با تشریح اتفاقات خشنی که تا به حال مشاهده کرده‌اند؛ به این سؤال پاسخ داده‌اند. به نظر می‌رسد، این امر نشان‌دهنده بی‌میلی آنها از صحبت و گفتگو در مورد خشونت است.

۲-۳. یافته‌های حاصل از پرسشنامه

مفهوم خشونت به‌ویژه خشونت بین فردی طیف وسیعی از کنش‌های خشونت‌آمیز را در محیط‌های مختلف در بر می‌گیرد، همچنین میزان شیوع و گستردگی آن نیز در سطح جامعه متفاوت است. در این قسمت از طریق پرسشنامه مسئله مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد. ویژگی‌های کلی پاسخگویان در جداول فراوانی نشان داده می‌شود.

جدول ۹. فراوانی متغیر جنسیت

متغیر	فراوانی	درصد
مرد	۵۰	۶۰٪
زن	۳۲	۴۰٪
جمع	۸۲	۱۰۰

از این تعداد، ۶۷ درصد متأهل و ۳۳ درصد مجرد هستند. وضعیت گروه سنی در جدول زیر نشان داده می‌شود.

جدول ۱۰. فراوانی متغیر گروه سنی

متغیر	فراوانی	درصد
زیر ۳۰ سال	۲۵	۳۰/۴
۳۱ - ۳۵	۲۶	۳۱/۷
۳۶ - ۴۰	۱۷	۲۰/۷
بالای ۴۱ سال	۱۴	۱۷
جمع	۸۲	۱۰۰

حدود ۶۱ درصد از پاسخگویان زیر ۳۵ سال سن دارند و مابقی نیز در گروه‌های سنی بالاتر هستند.

جدول ۱۱. فراوانی سطح تحصیلات

متغیر	فراوانی	درصد
دیپلم	۳۳	۴۰/۲
فوق دیپلم	۱۶	۱۹/۵
لیسانس	۱۹	۲۳/۱
فوق لیسانس	۱۱	۱۳/۴
دکتری	۳	۳/۶
جمع	۸۲	۱۰۰

جدول فراوانی سطح تحصیلات نشان می‌دهد که حدود ۸۳ درصد از پاسخگویان دارای مدرک لیسانس و پایین‌تر از آن بوده و مابقی نیز مدارک بالاتر دارند. در مورد خشونت‌های جسمانی نتایج نشان می‌دهد که پاسخگویان میزان شیوع رفتارهایی مثل اقدام به کشتن، زخمی یا مجروح کردن و سیلی زدن را در محیط‌های پنج‌گانه در سطح متفاوتی مشاهده می‌کنند. برای مثال، حدود ۶۰ درصد اظهار داشته‌اند که زخمی کردن به قصد دفاع از حق دیگران در محیط‌های عمومی در سطح زیاد و خیلی زیاد حدود ۴۰ درصد دیده می‌شود، در صورتی که همین رفتار در محیط‌های دیگر کمتر از این میزان است. در مورد شیوع سیلی زدن؛ پاسخگویان اظهار داشته‌اند که این رفتار در محیط خانواده به میزان زیاد و خیلی زیاد حدود ۳۰ درصد است، در صورتی که در محیط‌های دیگر میزان شیوع آن کمتر است. میزان شیوع خشونت جسمانی علاوه بر اینکه در محیط‌ها متفاوت است، از نظر پاسخگویان تحت تأثیر قصد و نیت عامل خشونت نیز میزان آن متفاوت است. برای مثال، سیلی زدن به دیگران وقتی با قصد و نیت دفاع از خود و احقاق حق اعمال می‌شود در سطح کم و خیلی کم به میزان ۶۰ درصد دیده می‌شود، در صورتی که همین کنش با نیت‌های دیگر در حدود ۹۰ درصد در سطح کم و خیلی کم مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، این تفاوت، بدین علت است که از نظر پاسخگویان سیلی زدن به قصد احقاق حق و حقوق و دفاع از خود شایع‌تر است. بنابراین از نظر پاسخگویان، اینکه رفتار خشن با چه نیتی انجام شود، در نوع نگاه و تفسیر پاسخگو از این عمل تأثیرگذار است.

بخش دیگری از کنش‌های خشن که عمدتاً به صورت زبانی انجام می‌گیرد و از آن تحت عنوان خشونت زبانی یاد می‌شود، در اشکال متفاوتی مثل تهدید، توهین، زخم زبان

زدن، متک گفتن و سرزنش کردن ظاهر می‌شود. تهدید کردن زبانی به قصد کنترل بر دیگران، قدرت نمایی، ترساندن، ادب کردن، در محیط‌های متفاوت به میزان یکسان مشاهده نمی‌شود. پاسخگویان در این خصوص اظهار داشته‌اند که میزان شیوع تهدید به قصد قدرت نمایی در محیط خانواده بسیار پایین است، اما همین رفتار در محیط خانواده به قصد ادب کردن بیشتر دیده می‌شود. در محیط‌های عمومی، حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان معتقدند که تهدید به قصد قدرت نمایی و ترساندن به میزان زیاد و خیلی زیاد دیده می‌شود. بنابراین از نظر پاسخگویان در این گونه محیط‌ها تهدید زبانی به قصد قدرت نمایی نسبتاً شایع است. در محیط‌های آموزشی حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان معتقدند که تهدید زبانی به قصد اجرای بهتر امور به میزان زیاد و خیلی زیاد دیده می‌شود که نشان‌دهنده میزان شیوع این رفتار در بین مدیران به‌عنوان ابزار اعمال مدیریت است.

توهین و ناسزا یکی دیگر از رفتارهای خشونت‌آمیز کلامی است که منجر به آسیب‌های روحی و روانی در افراد شود. این رفتار مانند سایر رفتارها می‌تواند با نیت‌های متفاوتی انجام شود. حدود ۲۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که این رفتار در محیط خانواده به میزان زیاد و خیلی زیاد واقع می‌شود. در مقابل حدود ۶۵ درصد معتقدند که این رفتار به میزان کم و خیلی کم دیده می‌شود. بنابراین، نتایج نشان می‌دهد که عمده پاسخگویان معتقدند: این کنش به‌عنوان یک رفتار غالب خشونت‌آمیز در خانواده‌ها دیده نمی‌شود. در محیط آموزشی نیز حدود ۵۰ درصد از پاسخگویان معتقدند که این رفتار برحسب عادت در میان دانش‌آموزان به میزان زیاد و خیلی زیاد دیده می‌شود که نشان می‌دهد: این رفتار در این محیط‌ها شایع است. در محیط‌های عمومی، حدود ۵۵ درصد پاسخگویان معتقدند: توهین و ناسزا گفتن از روی عصبانیت به میزان زیاد یا خیلی زیاد بین مردم شایع است که نشان می‌دهد، متأسفانه این گونه رفتارها در میان افرادی که سابقه آشنایی با هم ندارند نیز نسبتاً شایع است.

نگاه غضب‌آلود به دیگران یکی دیگر از مصادیق کنش خشونت‌آمیز زبانی تلقی می‌شود. در محیط‌های شغلی حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که نگاه غضب‌آلود یا چپ نگاه کردن به قصد فهماندن یا از روی عصبانیت به میزان زیاد و خیلی زیاد وجود دارد. در محیط‌های عمومی این میزان به حدود ۵۵ درصد می‌رسد.

با توجه به داده‌های به دست آمده در این بخش، نتایج نشان می‌دهد: همان‌طور در

تعریف خشونت نیز تأکید می‌شود، قصد و نیت از عناصر تعیین‌کننده کنش خشن است و می‌تواند در میزان انجام عمل و در نوع تفسیری که از آن صورت می‌گیرد مؤثر باشد. به عبارت دیگر، یک عمل خشن با نیت خاصی از نگاه عده‌ای کنش خشن تلقی می‌شود و از نگاه عده‌ای دیگر همین عمل به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌شود. برای مثال سیلی زدن به‌عنوان یک کنش خشن جسمانی در صورتی که با نیت دفاع از خود و یا احقاق حق انجام شود، از نظر پاسخگویان شایع‌تر از حالتی است که همین عمل با نیت دیگری صورت می‌گیرد، زیرا در این وضعیت عموماً یک عمل نامشروع به حساب می‌آید.

علاوه بر این، محیط‌های گوناگون نیز می‌تواند در طرز تلقی نسبت به عمل خشن تأثیرگذار باشد. برای مثال، تفاوت نسبتاً زیادی در کاربرد تهدید در محیط‌های مختلف دیده می‌شود. در محیط‌های آموزشی، تهدید وسیله‌ای برای اجرای بهتر و مناسب‌تر امور است، در نتیجه کاربرد بیشتری دارد و می‌توان حدس زد که در این محیط‌ها علاوه بر اینکه آن را مشروع می‌دانند، کمتر به وجه خشونت‌آمیز آن توجه می‌کنند.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به دست آمده از مصاحبه‌های عمیق، توصیفات غنی نسبت به ابعاد خشونت به دست آمد که در ساخت و توسعه چارچوب‌های مفهومی و خلق فرضیه‌ها می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بنابراین تحلیل نتایج این بخش از مقاله بر اساس این توصیفات یا در زمینه‌هایی که مصاحبه و پرسشنامه انجام گرفت فرضیه‌هایی جهت مطالعات آینده پیشنهاد می‌شود.

۱. از نظر پاسخگویان برای تعیین معیار رفتار خشن قصد و نیت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین بر مبنای نتایج به دست آمده فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود: «معیار مهمی که در تحلیل رفتار خشن مورد توجه قرار می‌گیرد قصد نیت است. اگر کنشگر رفتاری را که آسیبی نیز بر قربانی وارد می‌شود با قصد و نیت مورد قبول اکثریت انجام دهد، آن رفتار خشونت تلقی نمی‌شود یا به سختی در قلمرو خشونت قرار می‌گیرد».

۲. اکثریت پاسخگویان رفتار خشن را بر اساس قواعد اجتماعی ارزیابی می‌کنند، بر این اساس فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود: «رفتار خشن، رفتاری است که خارج از عرف معمول جامعه انجام می‌شود و از نظر مردم مورد قبول نیست».

۳. پاسخگویان در مورد اینکه چه رفتارهایی خشن تلقی می‌شود، به سه نوع رفتار اشاره می‌کنند. بر این اساس فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود: «رفتارهای خشن کلامی مثل داد زدن، عربده کشیدن، فحاشی کردن، ترساندن زبانی یا تهدید کردن، نق زدن، توهین کردن و رکیک صحبت کردن از جمله شایع‌ترین رفتارهای خشن محسوب می‌شود».
 ۴. پاسخگویان در مورد ویژگی‌ها و خصوصیات افراد خشن به چهار ویژگی اشاره کرده‌اند. بر این اساس فرضیه زیر در این خصوص پیشنهاد می‌شود: «مهم‌ترین ویژگی افراد خشن، خصوصیات کلامی از قبیل، بیان تند و گزنده داشتن، در محاورات روزمره صریح لحجه و خصوصیات روحی و روانی مثل گوشه‌گیری است».
 ۵. پاسخگویان در مورد موضوع رفتار خشن به چند محور اشاره کرده‌اند. در این زمینه فرضیه زیر پیشنهاد شد: «در میان افرادی که سابقه آشنایی با یکدیگر دارند، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که معمولاً خشونت به واسطه آن شکل می‌گیرد، اختلافات مالی و اقتصادی است».
 ۶. از نظر پاسخگویان رفتارهای خشن جهت رسیدن به چندین هدف شکل می‌گیرد. در این مورد فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود: «مهم‌ترین هدف از اقدام به خشونت نزد افراد، کسب قدرت از دست رفته و یا حفظ قدرت است».
 ۷. از نظر پاسخگویان میزان شیوع خشونت مرتبط با قصد و نیت افراد نسبت به این کنش است. در این خصوص فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود: «رفتارهای خشن هرچه با قصد و نیت احقاق حقوق فردی و اجتماعی صورت گیرد، شایع‌تر است».
 ۸. از نظر پاسخگویان میزان شیوع انواع خشونت با نوع محیط مرتبط است. در این مورد فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود: «میزان شیوع خشونت در محیط‌های عمومی نسبت به محیط‌های خصوصی بیشتر است».
- در مجموع علاوه بر فرضیه‌های پیشنهادی، نتایج نشان می‌دهد که در مورد خشونت جسمانی یا بدنی هرچند از جهت نظری تردیدی نسبت به آن وجود ندارد؛ اما تمایل به بحث و گفتگو در باره آن کمتر است، زیرا به‌طور طبیعی افراد آن را نامشروع می‌دانند. همچنین در این تحقیق همان‌طور که اشاره شد، پاسخگویان در حالی که به خشونت

جسمی اشاره می‌کنند، ولی تأکید بیشتر آنها بر خشونت‌های کلامی و روانی است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تأکید بیشتر بر این نوع خشونت‌ها حاکی از نوع تصور آنها از خشونت‌های رایج است.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۸). بررسی تصور زنان نسبت به خشونت‌های خانگی علیه آنان، پروژه جمعیت و توسعه دانشگاه تهران.
- کشکولی، کریم (۱۳۹۰). پایان نامه دکتری بررسی تمایل به خشونت بین فردی در ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ولد، جورج برایان و دیگران (۱۳۸۰). جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.

ب) منابع لاتین

- Brookman, Fiona. (2005). Understanding homicide, first published, SAGE, publication, Ltd.
- Krug, E, G., Dahlberg, L., L., Mercy, J., A., Zwi, A, B., & Lozano, R. (2002). World Report on Violence and Health, Geneva.
- WHO. (2004). Handbook for the Documentation of interpersonal violence prevention programmes, Geneva.
- Sampson. Robert J. & Groves, W. Byron (1989). "Community Structure and Crime: Testing social - disorganization theory", A. J. S, Vol,94, No. 4: 774-802.
- Sampson. Robert J (1991). "Linking the Micro and Macro Level Dimensions of Community", Social Force, Vol 70, No. 1: 49-64.
- Sampson, Robert J. (2004). Neighbourhood and Community: Collective Efficacy and community safety: IPPR.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی